

تاریخ جهان به روایت فیدل کاسترو

صد ساعت با فیدل

زندگی و خاطرات فیدل کاسترو

ایگناسیو رامونت

کیومرث پارسای

۱۳۸۲

انتشارات اخوان

سرشناسه	رامونت، ایگناسیو، ۱۹۴۳ - م.
سرشناسه	Ramonet, Ignacio :
عنوان و نام پدیدآور	صد ساعت با فیدل: زندگی و خاطرات فیدل کاسترو / نویسنده ایگناسیو رامونت؛ مترجم کیومرث پارسای.
مشخصات نشر	تهران: اخوان، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	۵۳۴ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	978-964-8586-27-5 :
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی:
موضوع	Fidel Castro, biografia a dos voces
موضوع	کاسترو، فیدل، ۱۹۲۷ - م. -- مصاحبه‌ها.
موضوع	روسای دولت -- کوبا -- سرگذشتنامه.
موضوع	روسای دولت -- کوبا -- مصاحبه‌ها.
موضوع	کوبا -- تاریخ -- ۱۹۳۳ - ۱۹۵۹ م.
موضوع	کوبا -- تاریخ -- ۱۹۵۹ - ۱۹۹۰ م.
موضوع	کوبا -- تاریخ -- ۱۹۹۰ م.
شناسه افزوده	پارسای، کیومرث، ۱۳۲۵ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۷ / ۲۲ / ۱۷۸۸ F
رده‌بندی دی‌ری	۹۷۲/۹۱.۶۴.۹۲ :
شماره کتابشناسی ملی	۱۱۷۶۵۳۲ :



تاریخ جهان به روایت فیدل کاسترو
صد ساعت با فیدل
زندگی و خاطرات فیدل کاسترو
ایگناسیو رامونت

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه	نوبت چاپ: اول	اردیبهشت ۱۳۸۷
طرح جلد: آریلین گریفیک		حروف‌نگاری: گروه هنری وز
چاپ: خوشه		صفحات: دیدآور
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۵۸۶-۲۷-۵		
بها: ۸۷۰۰۰ ریال		
فروش اینترنتی: iketab.com		

انتشارات اخوان، خ انقلاب - خ اردیبهشت - بن بست مبین - شماره ۲۳۹

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۳۰۲۱-۶۶۴۹۶۲۸۴

فهرست

۷	پیش از گفتگو
۱۷	پیشگامان انقلاب
۴۳	دوران کودکی نیک رهبر
۸۵	شکل‌گیری یک شورش
۹۵	ورود به سیاست
۱۱۷	هجوم به پادگان مونکادا
۱۵۵	تاریخ مرا تبرئه می‌کند
۱۶۷	چه گوارا
۱۷۷	رشته کوه‌های ماسترا
۱۹۵	درسهایی از جنگ
۲۰۳	انقلاب: نخستین مراحل، نخستین مشکلات
۲۲۵	توطئه‌ها شروع می‌شوند
۲۴۱	ساحل خبیرون
۲۵۷	بحران اکتبر ۱۹۶۲
۲۷۱	مرگ چه گوارا
۲۸۹	کوبا و آفریقا
۳۱۳	مشکلات مهاجرتی با ایالت متحده آمریکا
۳۲۹	سقوط شوروی
۳۳۹	موضوع اوچوا و مجازات مرگ
۳۵۵	کوبا و جهانی‌سازی و لیبرالیسم جدید

- ۳۷۳ دیدار با جیمی کارتر
- ۳۹۹ دستگیری مخالفان در مارس ۲۰۰۳
- ۴۲۱ گروگانگیری آوریل ۲۰۰۳
- ۴۳۷ کوبا و اسپانیا
- ۴۵۵ آمریکای لاتین
- ۴۶۵ کوبای امروز
- ۴۸۵ چه کسی پس از فیدل کاسترو؟
- ۵۳۵ سپاسگزاری

مقدمه مترجم

لحظاتی پیش از اینکه کتاب حاضر انتشار یابد، فیدل کاسترو رهبر کوبا از قدرت کناره گیری و به احتمال زیاد زمام امور به برادرش رائول واگذار خواهد شد. او در مصاحبه خود تأکید کرده بود که هنگامی چنین تصمیمی می گیرد که احساس کند دیگر توان کار کردن همچون گذشته را ندارد. محبوبترین چهره کوبا، دست کم از نظر مردم آن کشور، مقتدرانه در حیات خلوت ایالات متحده آمریکا، با همه دشواریها، اتهامات و نامرادیهایی که برای او و سرزمینش تدارک دیده بودند، چنان در برابر امپریالیسم ایستاد که هیچ قدرتی جرأت تجاوز یا مقابله با او را نداشت، و اگر داشت، نصیبی جز شکست نبرد.

پنجمین و در عین حال مفصل ترین مصاحبه فیدل کاسترو، جامع ترین نیز به حساب می آید. او تاریخ زنده قرن بیستم و دهه نخست سده بیست و یکم است. آنچه در این کتاب مطرح می شود، به نوعی می تواند تاریخ جهان در یکصد سال اخیر باشد و بسیاری از ابهاماتی را که امپریالیسم خبری مانع انتشار آنها می شدند، برطرف سازد.

ترجمه این کتاب، هرگز نمایانگر تأیید یا تکذیب همه افکار و اندیشه های فیدل کاسترو نیست، ولی در عین حال نمی توان از تلاشهایی که او برای توسعه کشورش انجام داده است، به سادگی گذشت. کاسترو هرچند از نظر پیروان نظامهای سرمایه داری عنصری نامطلوب به حساب می آید، ولی شاهکارهایش را نباید نادیده انگاشت. توجه کنید که در کشور کوبا بیسوادی وجود ندارد، بهداشت به ویژه در مورد کودکان در

سطحی گسترده و الای رعایت می شود و از همه مهمتر، مشکلی به نام موجر و مستأجر در آن کشور یافت نمی شود. نگاهی به مبارزات او، چه ذهنی و چه عینی، می تواند الگویی برای افرادی باشد که قصد خدمت به سرزمین خود، بدون چشمداشت مادی یا حتی معنوی دارند.

کیومرث پارسای

www.ketab.ir

پیش از گفتگو

حوالی ساعت دو نیمه شب بود. برای ملاقات با کاسترو از پیش وقت گرفته بودیم. در دفتر شخصی او حضور یافتیم. سقف بلند با پنجره‌های آکوردئونی مزین به پرده‌هایی با رنگ روشن که مشرف به یک ایوان بزرگ بود و از آنجا خیابان اصلی هاوانا دیده می‌شد. یک کتابخانه بزرگ و یک میز کار بلند پر از کتاب و مدارک که همه آنها در انتهای دفتر دیده می‌شدند و همگی در قفسه‌های کتاب یا روی میزهایی به اندازه کاناپه‌های بزرگ مرتب چیده شده بودند. یک مجسمه برنزی ناشناس، مجسمه‌ای از خوزه مارتی تقریباً مشابه تمثال سیمون بولیوار، مجسمه دیگری از سورسه و یکی هم از آبراهام لینکلن از جمله تزیینات دفتر به حساب می‌آمدند.

در گوشه‌ای از میز که جدا شده بود، مجسمه‌ای از دون کیخوته (دون کیشوت) سوار بر اسب مشهورش روسی ناتنه به چشم می‌خورد. روی دیوارها علاوه بر یک تابلو نقاشی رنگ روغنی از کامیلو سین فیگو، یکی از جانشینان اصلی او، بر فراز کوهستان ماسترا، سه عکس هم دیده می‌شد: یکی از شهر بولیوار، یکی عکس شمشیرماهی همینگوی و سومی عکسی گرفته شده با دوربین عکاسی پدرش دون آنخل که در ۱۹۸۵ از گالیس‌دور به کوبا آمده بود.

روبرویم نشست. بلند قامت، قوی‌هیکل، با سیل تقریباً سفید شده و لباس نظامی سبز زیتونی بی نقص و همیشگی. هیچ نشانی از خستگی در آن دیروقت شب بر چهره‌اش نمایان نبود. فیدل با خونسردی و لحنی آرام به پرسشهایم پاسخ می‌داد. گاهی صدایش چنان آرام بود که انگار چیزی

را رزمزه می‌کند. در این حال، به دشواری سخنانش را می‌شنیدم. از روزهای آخر ماه ژانویه ۲۰۰۳، رشته مصاحبه‌های طولانی من با فیدل کاسترو آغاز و همین امر موجب شد در ماههای بعد، تا دسامبر ۲۰۰۵، بارها به کوبا بازگردم.

اُندیشه مصاحبه با فیدل کاسترو از یک سال پیش، یعنی از فوریه ۲۰۰۲، در ذهنم شکل گرفت. به منظور برگزاری کنفرانسی در مورد کتاب به هاوانا آمده بودم. جوزف استگیلتر، برنده جایزه نوبل اقتصاد هم حضور داشت. فیدل او را به من معرفی و تأکید کرد اقتصاددانی از آمریکای لاتین است. تا آن زمان، کسی را به اندازه این مرد افراطی ندیده بودم. من در مقایسه با او، فردی میانه‌رو به حساب می‌آمدم. در مورد جهانی‌سازی، آزادیخواهی، و جامعه پورتو الگره حرف زدیم که من تازه به آنجا رسیده بودم.

می‌خواست همه چیز را بدانند: موضوعهای مورد بحث، سمینارها، شرکت‌کنندگان و...

حرکتها و جنبشهای جهانی، به ویژه از نوع تغییردهنده را مورد تعریف و تمجید قرار داد: «انسلی از شورشیان ظهور کرده که اغلب آنها در آمریکای شمالی حضور دارند و شیوه‌های تازه‌ای را برای اعتراض مورد استفاده قرار می‌دهند که موجب ایجاد ترس در میان قدرتهای بزرگ می‌شوند. افکار و انگاره‌ها، بسیار مهمتر از سلاح هستند. آنها معتقدند با خشونت کمتر، می‌توان همه بحثها را به منظور مقابله با جهانی‌سازی مطرح کرد.»

مطابق معمول، فیدل ناراحت شد. او نیز دیدگاهی جهانی دارد و معمولاً جهانی‌سازی، نتایج، و راههای مقابله با آن را با بحثهای مدرن و ترندهای بارزی که اغلب نویسندگان پیشتر آنها را به رشته تحریر درآورده‌اند، همچون راهبرد بی‌نظیر، مهارت در ارزش نهادن بر یک موقعیت ویژه، و سرعت تحلیل، مورد بررسی قرار می‌دهد. علاوه بر آن باید تجربه حاصل از چندین سال حکومت، مقاومت و مبارزه او را نیز بر

این امر افزود.

عدالانه نیست که نسل جدید مسیر درست را بلد نباشد و قربانیان بی‌گناه تبلیغات منفی علیه کوبا شود. البته بسیار دوستان درگیر در جهانی سازی و تغییرپذیری جهان را، بخصوص از نسل جوان در اروپا، که او را به عنوان مرد جنگ سرد، رهبری اسطوره‌ای از دوران معاصر که نمی‌توانست مانع جنگ‌های سده‌های گذشته شود، می‌شناسند.

رژیم هاوانا امروز نیز ایجادکننده شک و تردید، بحران، و مخالفت در میان مردم است و علیرغم همکاری و تلاش مشتاقانه انقلابیون کوبا به منظور ایجاد شفافیت، چنین رژیمی به اندازه مساوی، طرفدار و مخالف دارد. بنابراین، همواره باید در مورد چنین رژیم‌هایی، نظراتی بی‌طرفانه ارائه داد.

کتابی کم‌حجم در مورد مصاحبه با فرمانده مارکوس قهرمان اسطوره‌ای مکزیک را به‌تازگی تمام کرده بودم. فیدل هم کتاب را خوانده و از آن خوشش آمده بود. به فیدل پیشنهاد چنین مصاحبه‌ای البته در کتابی با حجم بسیار بیشتر داده بودم، زیرا او خاطراتش را ننوشته بود و کمبود وقت را دلیل، یا بهانه، این امر می‌دانست. این مصاحبه می‌توانست دستیابی به هدفی دوگانه باشد: نخست آزمایش سیاستمداری، و سپس همه دوران زندگی هشتادساله او، یعنی بیشتر از نیم قرن تجربه!

هجوم به پادگان مونکادا در سانتیاگو در کوبا در ۱۹۵۳، جایی که زندگی حماسی خود را آغاز کرد، در مرحله نخست بود. تعداد اندکی از مردان هم در ماجراها و هم در افسانه‌ها وارد شده‌اند، فیدل یکی از آنها و از مردان عجیب و مقدس بین‌المللی است. او به نسل شورشیان افسانه‌ای از قبیل ماندلا، هوشی مینه، پاتریس لومومبا، امیل کاره‌کا و چه‌گووارا تعلق دارد. کسانی که با ارائه الگوهای متفاوت دادگری، سالها پیش از آغاز جنگ جهانی دوم، فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کردند و بذر امید را در دل جهانیان به‌منظور تغییر جهان نابرابر و نابودی تبعیض نژادی، افشانند. خاستگاه آن، جنگ میان آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی

سوسیالیستی بود. این نسل صادقانه بر این باور بود که کمونیسم چشمه‌ای روشن برای از بین بردن بی‌عدالتی، نژادپرستی و فقر در کمتر از یک دهه از همه سرزمینهای جهان است.

در آن زمان در ویتنام، گینه بیسائو و نیمه بیشتر از گستره زمین، ملت‌های تحت ستم، قیام کردند. بنابراین آشکار بود که انسانها در کشورهای زیادی که رهبران آنها در برابر رسوایی و بدرفتاری استعمار سکوت کرده بودند، قصد رهایی دارند. تقریباً سراسر قاره آفریقا و بخش گسترده‌ای از قاره آسیا، هنوز تحت سلطه بیگانگان قرار داشت و امپراتورهای بزرگ، سرزمینهای بسیاری را به تصرف درآورده بودند. از سوی دیگر، کشورهای منطقه آمریکای لاتین، هرچند نه در عمل، دست‌کم از حدود یک سده و نیم پیش، مستقل بودند و تنها گاهی رهبرانی دیکتاتور و ظالم داشتند که آمریکا از آنها حمایت می‌کرد تا شورشها را مهار کنند.

فیدل به پیشنهاد من گوش داد و لبخند زد. انگار کمی هم از شنیدن آن، لذت برد. با چشمان نافذ به من نگریست و با لحنی تمسخرآمیز پرسید:

— راستی می‌خواهی وقت خودت را با حرف زدن با من تلف کنی؟

پاسخ دادم:

— هرگز این‌گونه نیست! دهها خبرنگار، از جمله چندین روزنامه‌نگار مشهور از سراسر دنیا، سالهای زیادی در انتظار فرصتی برای مصاحبه با شما هستند. برای فردی حرفه‌ای، چه کاری می‌تواند از مصاحبه با مهمترین شخصیت اسطوره‌ای نیمه دوم قرن بیستم برتر باشد؟ این امر نمی‌تواند رویدادی ساده باشد که فیدل کاسترو، سالهاست ریاست حکومتی را در منطقه مهمی از جهان بر عهده دارد.

او بسا ده رئیس‌جمهور آمریکا، یعنی آیزنهاور، کندی، جانسون، نیکسون، فورد، کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتون، و بوش پسر، همدوره بوده و روابطی با بعضی از رؤسای جمهوری داشته است که تأثیر زیادی بر جهان گذاشته‌اند، مثل نهرو، جمال عبدالناصر، تیتو، خروشچف، اولاف پالمه، بن‌یلا، عرفات، و دیگران. هنرمندان و نوابغ معاصر بسیاری

را می‌شناسد: خوان مانوئل مارتیره، سیمون دوبوار، ارنست همینگوی، گراهام گرین، آرتور میلر، پابلو نرودا، خوزه آمادو، اسوالا گویاسمین، ژوزه ساراماگو، گابریل گارسیا مارکز، ادواردو گالینا و الیور استونه.

فیدل کاسترو در کشور کوچکی با مساحت تقریبی یکصد هزار کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر یازده میلیون نفر موفق شد حکومتی با قدرت بالای سیاسی در سطح جهان برقرار کند که حتی به آمریکا نیز ضربه می‌زند. رهبران آمریکایی نتوانستند او را از بین ببرند یا از صحنه سیاسی خارج کنند. آنها حتی موفق نشدند انقلاب کوبا را از مسیر اصلی منحرف سازند.

جنگ جهانی سوم در اکتبر ۱۹۶۲ در شرف وقوع بود. دلیل آن هم چیزی نبود جز نگرش رهبران آمریکای شمالی که نصب نیروگاه هسته‌ای اتحاد جماهیر شوروی در کوبا را قبول نداشتند. چنین اقدامی در نهایت از ورود دوباره نیروهای آمریکایی که در سال ۱۹۶۱ به ساحل خیزون به منظور براندازی رژیم کوبا آمده بودند، جلوگیری می‌کرد.

آمریکا از بیش از چهل سال پیش با تحریم اقتصادی کوبا، مانع پیشرفت اقتصادی این کشور و موجب ایجاد بحران در وضعیت داخلی آنها شد که این امر پیامدهای ناگوار و تأسف برانگیزی برای ساکنان این کشور داشت. آمریکا مبارزه مداوم با هاوانا را با استفاده از رادیو و تلویزیون پر قدرت مارتی آغاز کرد که برنامه‌های آن از فلوریدا پخش می‌شد و حاوی تبلیغات علیه کوبا همچون دوران بسیار بد جنگ سرد بود.

سازمانهای ضد رژیم کوبا به نامهای آلفا ۶۶ و امگا ۷ در میامی ایجاد شد که مرکز آموزش و اعزام کماندوهای برای ارتکاب عملیات تروریستی به جزایر مختلف بود. جناحهای قدرتمند آمریکایی در ایجاد این سازمانها و اعزام خرابکاران، مشارکت داشتند. کوبا یکی از کشورهای است که بیشترین قربانی تروریستی را داده است. تعداد این قربانیان به سه هزار نفر می‌رسد که این رقم، بسیار بیشتر از تعداد افرادی

است که در چهل سال گذشته قربانی شده‌اند.

علیرغم حملات تروریستی مداوم آمریکاییها به کوبا و سوء قصد مکرر به جان فیدل کاسترو، رهبر کوبا پس از از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک و واشینگتن، اظهار داشت:

هیچ‌یک از این فشارها و تضيیقاتی که از جانب آمریکا به ما تحمیل شده، نمی‌تواند باعث شود که ناراحتی عمیق خود را از عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر علیه ملت آمریکا ابراز نکنیم. روابط ما با آمریکا، هرچه باشد، موجب نخواهد شد اقدام متقابل انجام دهیم و در آن کشور عملیات تروریستی اجرا کنیم. دستم را قطع کنید اگر بتوانید فردی را بیابید که کلمه‌ای از دهانم در جهت نابودی مردم آمریکای شمالی شنیده باشد، زیرا اگر گناه مقامات دولتی آمریکا را به گردن مردم ایالات متحده بیندازیم، حماقت کرده‌ایم.

با این حال، حملات سیاسی و تروریستی آمریکا همچنان ادامه دارد. سان ایگناسیو لویلا عقیده داشت: «در یک دژ محاصره شده، هرگونه اظهار نارضایتی، خیانت است.» شاید بر اساس همین عقیده، گزارشهای سالانه عفو بین‌الملل از نادیده انگاشته شدن آزادی در کوبا، چه آزادی بیان، چه آزادی اندیشه، و چه آزادی سیاسی انتقاد می‌کنند و مدعی هستند در کوبا «زندانی عقیدتی» زیاد است. هدف آنها هرچه باشد، آشکار است که با توجه به شرایط موجود، برخورد غیرمنطقی می‌کنند، زیرا امروزه تجاوز به حقوق مردم، مرگ، و سرکوب در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته مورد انتقاد قرار می‌گیرد، غیر از ژاپن و آمریکا. در عین حال، هیچ آمار دقیقی در مورد محکومان عقیدتی، بازداشت‌شدگان سیاسی، و اجرای اشد مجازات در کشورهای دارای حکومت مردم‌سالاری، یا دست‌کم مدعیان آن، وجود ندارد.

اطلاعات و آمار سازمان عفو بین‌الملل موارد شگنجه فیزیکی، ناپدید شدن، قتل‌های سیاسی و تظاهرات را در کوبا ذکر نمی‌کنند و هیچ شورش‌ی بر علیه دولت، حتی یک مورد، در چهل و شش سال گذشته انقلاب،

نشان نمی دهند. در عین حال، در کشورهای نظیر گواتمالا، هندوراس، جمهوری دومینیکن و حتی مکزیک، سندیکاها، کشتیها، روزنامه نگاران، شهرداریها، رهبران اجتماعی، به منظور مقابله با قتل و شکنجه، قیام می کنند و با برانگیختن احساسات مردمی، با رسانه های بین المللی هماهنگ می شوند. علاوه بر این باید اضافه کرد که در چنین جوامعی و در بیشتر کشورهای فقیر دنیا، خشونت دائمی، ایجاد مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در برابر میلیونها شهروند، افزایش مرگ و میر نوجوانان، بی سوادی، بی خانمانی، بیکاری، گدایی، و ازدیاد بچه های خیابانی، پیداد می کند.

علیرغم اینکه چهره و شخصیت فیدل کاسترو بارها در مطبوعات، تلویزیون، رادیو، و غیره به تصویر کشیده می شود، ولی خبری از مجسمه، نام خیابان، ضرب سکه و... به نام او یا رهبران پیشین انقلاب نیست.

علیرغم همه مشکلات قدیمی و جدید، این کشور کوچک، با علاقه و اشتیاق فراوان به حفظ استقلال، به موفقیتهای غیر قابل انکار در زمینه های رهایی از تبعیض نژادی، آزادی زنان، ریشه کن کردن بیسوادی، و ارتقای فرهنگ اجتماعی دست یافته که کوبا را در زمره کشورهای لایق و کارآمد قرار داده است.

از نظر سیاست، کوبا فعالترین کشور دنیا به حساب می آید. نظام کوبا در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی با توجه به وقوع جنگهای بیشمار در کشورهای آمریکای لاتین و جنوبی، ارتش خود را که از سایر کشورها الگوبرداری شده بود، در مبارزات رهایی بخش گسترده، به ویژه در اتیوپی و آنگولا شرکت داد. دخالت در آنگولا، منجر به نابودی سریع ارتش آفریقای جنوبی و سقوط رژیم آپارتاید در آن کشور شد.

انقلاب کوبا که فیدل کاسترو رهبر واقعی و معنوی آن است به دلیل تلاشهای گسترده مردم و دولت، و علیرغم وجود نقصهایی همچون مشکلات اقتصادی و محدود بودن آزادی، همچنان به پیشرفت ادامه می دهد. فیدل کاسترو الگویی برای میلیونها انسان، برای همه مردم

آمریکای شمالی و جنوبی، و مناطق دیگر دنیا، به ویژه سرزمینهایی است که مردان و زنان، اعتراض می‌کنند، می‌جنگند، می‌میرند و آرزو دارند به اهدافی دست یابند که کوبا به آنها رسیده است.

راستی پس از مرگ طبیعی فیدل کاسترو چه اتفاقی می‌افتد؟ واضح است که تغییراتی رخ می‌دهد، زیرا هیچ‌کس در هیچ مقامی، چه در دولت، چه در احزاب، چه در نیروهای مسلح، قدرت او را ندارد و نمی‌تواند قدرتی همپایه آنچه از زمان تأسیس حکومتی انقلابی در چهل و شش سال گذشته شکل گرفته است، به کوبا بدهد. عده‌ای از کارشناسان سیاسی پیش‌بینی می‌کنند همان‌طور که پس از فروپاشی شوروی و تخریب دیوار برلین، کشورهای اروپای شرقی نابود شدند، چنین اتفاقی برای کوبا نیز خواهد افتاد. ولی آنها اشتباه می‌کنند. احتمال ناچیزی وجود دارد که همان اتفاق دوباره در کوبا رخ دهد، هرچند مخالفان فیدل کاسترو این حقیقت را که بیشتر مردم کوبا به انقلاب وفادار هستند، به عنوان واقعیتی سیاسی نمی‌پذیرند. این وفاداری، برخلاف وابستگی کشورهای اروپای شرقی به شوروی، بسیار عمیق و برگرفته از مقاومت تاریخی مردم این کشور بر علیه جاه‌طلبیهای آمریکاست.

فیدل کاسترو جایگاه ویژه‌ای نزد مردم جهان دارد، به ویژه کسانی که می‌خواهند برای ایجاد عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق همه ستمدیدگان، بجنگند.

آنچه علاوه بر این دلایل می‌خواهم اضافه کنم، این است که در ماههای مارس و آوریل ۲۰۰۳، مخالفت من با محکومیت هفتاد نفر از مخالفان دولت و تیرباران سه گروه‌انگیز یک قایق، به این دلیل بود که به نظرم غیرقابل تصور می‌رسید رهبر بزرگی به منظور ابراز نارضایتی خود از رسانه‌های غربی، احساسات شخصی را دخالت دهد، هرچند ناشی از صدمات بسیاری باشد که در مبارزات بزرگ دوران زندگی و بی‌شکست ماندن، نصیب او شده است.

فیدل به چندین زبان خارجی تسلط دارد. از میان مصاحبه‌های زیادی

که در طول زندگی داشته، تنها چهار مصاحبه او به چاپ رسیده است: دو بار با جیانی فینا، یک بار با بافری بتو، و یک بار با توماس بورگ. پس از یک سال انتظار، سرانجام با درخواست من موافقت کرد و پنجمین و بزرگترین مصاحبه در طول این چهل و پنج سال را انجام داد.

انگار آماده شرکت در یک ماراتن بودم. دهها کتاب و مقاله را خواندم، با تعداد زیادی از دوستان و کارشناسان خبره و باتجربه در زمینه انقلاب کوبا، مشورت کردم تا پرسشهایی را برای مصاحبه پیشنهاد کنند، و مطالعات زیاد را هم فراموش نکردم.

پیش از شروع کار، در آرامش تاریک و روشن، و سکوت دفتر شخصی او، بخشی از مصاحبه به عنوان نمونه کار، فیلمبرداری شد. البته من هم می‌خواستم با فضای موجود بهتر آشنا شوم. فیدل کاسترو پیشنهاد مرا برای اجرای شیوه مصاحبه پذیرفت و از من خواست چند روز، چه در کوبا، چه در خارج از آن کشور، همراه او باشم. در شب، در روز، در اتومبیل، در هواپیما، در حال ناهار خوردن، در حال قدم زدن، و خلاصه در همه حال، در مورد خبرهای مهم روز، تجربیات گذشته، نگرانیهای کنونی و حتی امور غیرقابل تصور، صحبت کردیم. این‌گونه بود که فیدل مهربان، محتاط، و مؤدب را که توجه زیادی به همصحبت نشان می‌دهد و با فصاحت و سادگی خاصی، بدون تظاهر حرف می‌زند، به خوبی شناختم. او حتی با همکاران و محافظان خود با چنان رفتار و شیوه‌ای صحبت می‌کرد که همه متوجه می‌شدند به سایرین احترام می‌گذارد. هرگز با صدای بلند حرف نمی‌زد. من هیچ دستوری از او نشنیدم. هر جا گام می‌گذاشت، مورد توجه قرار می‌گرفت. او تنها فردی به حساب می‌آمد که همه تصمیمات کوچک و بزرگ را اتخاذ می‌کرد، ولی به حالت امر و دستور با کسی صحبت نمی‌کرد. البته با اغلب رؤسای احزاب و اعضای دولت مشورت می‌کرد، ولی در نهایت تنها کسی بود که تصمیم می‌گرفت.

پس از مرگ چه گوارا، هیچ فردی در دنیای سیاست، نبوغی به اندازه

فیدل کاسترو ندارد. شاید نبوغ او و چه گوارا، یکسان باشد. او رهبری است که برای همه چیز ارزش قائل می‌شود. روشی چنان متواضعانه و بدون زرق و برق دارد که بسی نظیر است. غذای سالم می‌خورد و صرفه‌جویانه زندگی می‌کند. حتی دشمنانش، شخصیت او را به دلیل عدم سوءاستفاده از قدرت برای ثروتمند شدن، تحسین می‌کنند.

هفت روز در هفته کار می‌کند و معمولاً کارهایش در ساعت پنج یا شش بامداد روز بعد به پایان می‌رسند. بارها جلسات مصاحبه با مرا در ساعت دو یا سه نیمه‌شب، به دلیل خستگی زیاد ناشی از شرکت در جلسات مهم، بر هم زد. به ندرت می‌دیدم که در ساعت چهار بامداد بخوابد. همکاری‌اش که همگی جوان و نیرومند هستند، پس از پایان نوبت کاری، خسته و بی‌حال، به خانه می‌روند. گاهی نیز در حالت ایستاده می‌خوابند و نمی‌توانند همچون این جوان هشتاد ساله و خستگی‌ناپذیر، چنین ضرب‌آهنگی را در کار تحمل کنند. هرگز از تفکر غافل نیست و همه چیز را کنجکاوانه دنبال می‌کند. همیشه به مشاوران خود روحیه می‌دهد و آنها را تشویق می‌کند. دارای مهارت خاصی در برقراری ارتباط با مردم است. می‌داند چگونه باید توجه بینندگان و شنوندگان را به خود جلب و آنها را مجذوب کند. به آنها هم روحیه می‌دهد و شنوندگان را ترغیب می‌کند که ساعتها به سخنانش توجه نشان دهند.

گابریل گارسیا مارکز، نویسنده مشهور، شیوه رهبری او را این‌گونه به تصویر می‌کشد

«...بالحنی آرام و صدایی آهسته شروع می‌کند و هیچ فرصتی را برای تأثیر گذاردن بر افراد و نفوذ به قلب آنان از دست نمی‌دهد. گام به گام پیش می‌رود و هنگامی صدایش بلند می‌شود که شنوندگان را به تسخیر درآورده است...»

بارها هنر سخنوری حیرت‌انگیز او را ستوده‌ام. به سخنرانیهای او با دقت گوش داده‌ام. مشهور است حتی در جلسه‌ای در هنگام صرف غذا، هنر سخنوری فیدل کاسترو به اوج رسید و او تنها با استفاده از حرکات زیبای دستهایش در هوا، واژه‌های بسیاری را تفهیم کرد.